

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات عربی

عنوان:

شواهد ادبی در پنج جزء آخر قرآن

در تفسیر مجمع البیان

از:

معصومه فاضلی

استاد رهنما:

دکتر سید اسماعیل حسینی اجداد

استاد مشاور:

دکتر رحمت پور محمد

بهمن ۱۳۹۱

تقدیم به:

پدر و مادر دلسوز و فداکارم که باغبان بوستان زندگی ام بودند،

و به همسرم که همواره مشوق و حامی ام در امر تحصیل بود و دختران دلبندم فاطمه و محیا

تقدیر و تشکر

حمد و سپاس از آن خدایی است که منتی بر من نهاد تا در زمینه‌ی قرآنی پژوهشی داشته باشم و عنایتی فرمود تا به حول و قوه‌ی او به چنین توفیقی دست یابم.

این پایان نامه را مدیون زحمات افرادی هستم که در این راه یار و همراه من بودند از جمله:

جناب آقای دکتر سید اسماعیل حسینی، استاد صبور و دلسوز، که با راهنمایی‌های عالمانه‌ی خویش این مسیر پر فراز و نشیب را بر من هموار نمودند. آقای دکتر رحمت پور محمد، استاد محترمی که از مشورت‌های دلسوزانه‌ی ایشان نیز بهره‌مند گردیدم.

و در پایان تشکر و سپاس ویژه خود را از دیگر اساتید بزرگوارم، که در طی دو سال، از فیوضات دانش و معرفت-شان بهره‌مند گشتم، اعلام می‌دارم.

شواهد ادبی در پنج جزء آخر قرآن در تفسیر مجمع البیان

نام دانشجو: معصومه فاضلی

فهم و تفسیر درست آیات قرآن، منوط به بهره‌مندی از منابع تفسیری مطمئن و غنی می‌باشد که از این میان، منابع ادبی، از اهمیت به‌سزایی برخوردارند؛ مقصود از منابع ادبی، واژگان و متون ادبیات عرب، یا ساختار نحوی و بلاغی آیات و هم‌چنین فرهنگ و باورهای قدیمی اعراب می‌باشد. یکی از تفاسیری که به همه‌ی جنبه‌های تفسیری قرآن پرداخته و به حق، یکی از بهترین تفاسیر جامع شیعی محسوب می‌شود، تفسیر «مجمع البیان» شیخ طبرسی است.

پایان نامه پیشارو، دستاورد کوششی در جهت استخراج شواهد ادبی، و اثبات تأثیر آن‌ها در فهم آیات قرآن در ۵ جزء آخر آن، با محوریت تفسیر جامع «مجمع البیان» می‌باشد، که نگارنده با استفاده از منابع اصیل، از جمله قرآن و تفاسیر مختلف قرآنی و کتب لغوی، بلاغی و نحوی و مراجعه به منابع اصیل ادبی و هم‌چنین با بهره‌گیری از شواهد ادبی جهت تفهیم و تثبیت مفاهیم آیات الهی به تحقیق و پژوهش پرداخته است و دلیل بهره‌مندی از این شواهد ادبی، اصالت، قدمت و بدوی بودن آن‌ها می‌باشد.

این رساله با هدف اثبات این مسأله و کمک بیشتر به قرآن‌پژوهان جهت فهم و درک بهتر قرآن کریم با انگیزه علاقمندی به تحقیق در موضوعات قرآنی که سرشار از نکات لطیف و سراسر اعجاز می‌باشد، به بحث و تحقیق می‌پردازد.

کلید واژه: قرآن، تفسیر، شواهد ادبی، طبرسی، مجمع البیان

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات

- ۱-۱- مقدمه ۲
- ۱-۲- بیان مسأله ۵
- ۱-۳- پیشینه‌ی تحقیق ۶
- ۱-۴- ضرورت بحث ۸
- ۱-۵- اهداف ۱۰
- ۱-۵-۱- اهداف کلی ۱۰
- ۱-۵-۲- اهداف جزئی ۱۰
- ۱-۶- فرضیه تحقیق ۱۱
- ۱-۷- روش تحقیق ۱۲

فصل دوم-طبرسی و مجمع البیان

- ۲-۱- معانی تفسیر و ضرورت نیاز به آن ۱۴
- ۲-۱-۱- تعریف واژه‌ی تفسیر ۱۴
- ۲-۱-۲- اهمیت و فائده‌ی این علم ۱۴
- ۲-۱-۳- سبب احتیاج به تفسیر ۱۵

- ۲-۱-۴- طبقات مفسرین ۱۷
- ۲-۱-۵- اختلاف سلیقه مفسران ۲۰
- ۲-۲- زندگی نامه طبرسی و گرایش او به تفسیر ۲۲
- ۲-۲-۱- طبرسی و حیات او ۲۲
- ۲-۲-۲- تألیفات شیخ طبرسی ۲۲
- ۲-۲-۳- شیخ طوسی و تفسیر التبیان ۲۵
- ۲-۲-۴- تفسیر مجمع البیان ۲۸
- ۲-۳-۱- گرایش مجمع البیان و فهم پذیری قرآن ۳۰
- ۲-۳-۱-۱- گرایش تفسیری مجمع البیان ۳۰
- ۲-۳-۲- مبانی تفسیری مجمع البیان: ۳۱
- ۲-۳-۲-۱- فهم پذیری قرآن ۳۱
- ۲-۳-۲-۲- گستره معنایی قرآن ۳۳
- ۲-۳-۲-۳- بطون قرآن ۳۴
- ۲-۳-۲-۴- تحریف ناپذیری قرآن ۳۶
- ۲-۳-۲-۵- فراموردی بودن متن ۳۷
- ۲-۳-۳- منابع تفسیری مجمع البیان ۳۹
- ۲-۳-۴- فقه القرآن در مجمع البیان ۴۰
- ۲-۳-۵- فرهنگ زمانه و فهم قرآن ۴۱
- ۲-۳-۵-۱- اسباب نزول و نقش آن در تفسیر ۴۱
- ۲-۳-۵-۲- فرهنگ زمانی اعراب در مجمع البیان ۴۳

۴-۲-گرایش مجمع البیان در تفسیر، با استفاده از ادبیات عربی..... ۵۱

۴-۲-۱- روش تفسیری شیخ طبرسی در مجمع البیان..... ۵۱

۴-۲-۱-۱- روش نحوی در مجمع البیان..... ۵۱

۴-۲-۱-۱-۱- فراوانی مباحث نحوی..... ۵۲

۴-۲-۱-۱-۲- شواهد شعر و نثر..... ۵۲

۴-۲-۲- روش بلاغی در مجمع البیان..... ۵۴

۴-۲-۳- روش لغوی در مجمع البیان..... ۵۵

فصل سوم: شواهد ادبی و تاثیر آن در فهم قرآن

۳-۱- منابع ادبی و جایگاه آن در تفسیر..... ۵۸

۳-۱-۱- ادب در نزد قوم جاهلی..... ۵۸

۳-۱-۲- جایگاه منابع ادبی در میان سایر منابع تفسیر..... ۶۰

۳-۱-۳- دلایل رجوع به منابع ادبی..... ۶۰

۳-۱-۳-۱- دلایل قرآنی..... ۶۰

۳-۱-۳-۲- دلایل روایی..... ۶۱

۳-۱-۳-۳- بنای عقلا..... ۶۲

۳-۲- اقسام منابع ادبی..... ۶۲

۳-۲-۱- قرآن..... ۶۲

۳-۲-۲- احادیث معصومان(علیهم السلام)..... ۶۴

۳-۲-۳- شعر..... ۶۵

۳-۲-۳-۱- دلایل و قراین منبع بودن شعر..... ۶۶

- ۶۸ ۳-۲-۴- ضرب المثل
- ۶۸ ۳-۳-کاربردهای منابع ادبی در تفسیر
- ۶۸ ۳-۳-۱- شناخت واژگان
- ۷۰ ۳-۳-۲- فهم ساختار ترکیبی و نحوی صحیح آیه
- ۷۰ ۳-۳-۳- کشف رموز بلاغی و رسایی جملات
- ۷۲ ۳-۳-۴- پاسخ گویی به شبهات تفسیری در ارتباط با ادبیات قرآنی
- ۷۲ ۳-۳-۵- ترجیح یک قرائت بر سایر قرائات

فصل چهارم: انواع شواهد ادبی در قرآن در پنج جزء آخر قرآن

- ۷۵ ۴-۱- تاثیر شواهد ادبی در فهم قرآن
- ۷۵ ۴-۱-۱- شواهد لغوی
- ۷۵ تأثیر شواهد لغوی در فهم قرآن
- ۱۲۰ ۴-۱-۲- شواهد بلاغی
- ۱۲۰ تاثیر شواهد بلاغی در فهم قرآن
- ۱۳۲ ۴-۱-۳- شواهد نحوی
- ۱۳۲ تاثیر شواهد نحوی در فهم قرآن
- ۱۴۴ ۴-۱-۴- فرهنگ جاهلی
- ۱۴۴ تأثیر فرهنگ جاهلی در فهم قرآن

فصل پنجم

۱۵۷ ۱-۵- نتیجه گیری

۱۵۹ ۲-۵- پیشنهادات

۱۶۰ ۳-۵- منابع و مآخذ

فصل اول

«کلیات»

راه شناخت صحیح و کامل هر موضوعی، بهره‌گیری از منابع اطلاعاتی مطمئن است؛ فهم و تفسیر درست آیات قرآن نیز منوط به بهره‌مندی از منابع تفسیری غنی و اطمینان‌بخش است و در صورت بی-توجهی به این نکته، مفسر به ورطه تفسیر به رأی یا برداشت‌های ناروا خواهد افتاد و از بسیاری نکات و مفاهیم ارزشمند قرآنی، محروم می‌ماند. در میان منابع مختلف تفسیر، منابع ادبی نقش به‌سزایی در فهم درست از آیات وحی برعهده دارند.

مقصود از منابع ادبی، واژگان و متون ادبیات عربی است که مفسران را در فهم معنای لغوی واژگان یا ساختار نحوی و بلاغی آیات، یاری می‌رساند.

مفسران و پژوهشگران قرآنی زیادی در زمینه‌های مختلف علوم قرآنی از جمله بلاغت، صرف و نحو، لغت و ... به بحث و تحقیق پرداخته‌اند. اما هیچ مفسری به طور جامع و همه‌جانبه در تمامی زمینه‌های قرآنی به بحث و پژوهش نپرداخته است. تا این‌که شیخ طوسی در تفسیر تبیان خود تفسیری جامع و کلی ارائه داد که خود در کتاب «فهرست»، آن را کتابی بی‌نظیر معرفی می‌کند. (طوسی، بی‌تا، ۲۸۸) و بعد از او شاگردش شیخ طبرسی راه استاد خود را در پیش گرفت و تفسیر «مجمع البیان» را نگاشت که به حق، یکی از بهترین تفاسیر قرآن - نه تنها در بین تفاسیر شیعی، بلکه در میان تمام تفاسیر - است.

بررسی روش تفسیری صاحب «مجمع البیان»، کار گسترده می‌طلبد و می‌توان این تفسیر گراندقدر را از زاویه‌های گوناگونی بررسی کرد که دلیل این قضیه را می‌توان در جامعیت این تفسیر جستجو کرد.

یکی از مسائل قابل توجه در این تفسیر که موضوع بحث و تحقیق نگارنده نیز می‌باشد، بررسی شواهد ادبی قرآن است که به جنبه‌های مختلف ادبی قرآن که شامل لغت و نحو و بلاغت می‌باشد، پرداخته است.

رساله‌ای که در پیش‌ارو است، تحت عنوان بررسی شواهد ادبی در پنج جزء آخر قرآن با محوریت تفسیر «مجمع البیان» طبرسی می‌باشد و از آن‌جا که فهم صحیح آیات قرآن منوط به شناخت صحیح از فرهنگ و ادبیات اصیل عربی است و از طرف دیگر چون در زمینه پژوهش قرآنی، به مسأله شواهد ادبی با تمامی جنبه‌هایش، کم توجهی شده و یا بسیار اندک کار شده است، لذا نگارنده را برآن داشت که تحقیقی در رابطه با این موضوع ادبی از قرآن داشته باشم؛ به امید این‌که شرایط بهتر این پژوهش، برای دانشجویان دیگر فراهم آید.

بنابراین رساله فوق در پنج فصل تدوین گردید که در فصل اول به کلیات بحث که شامل بیان مسأله، پیشنهادی تحقیق، ضرورت و اهداف آن و همچنین روش تحقیق است، می‌پردازد.

در فصل دوم مختصری از زندگی‌نامه شیخ طبرسی و تألیفات و روش تفسیری ایشان می‌پردازد و سپس به شرح مختصری از تفسیر مجمع البیان و گرایش تفسیری و مبانی و منابع این تفسیر جامع پرداخته می‌شود و همچنین توضیح مختصری درباره فقه القرآن در مجمع البیان و فرهنگ زبانی اعراب و باورهای عرب جاهلی در مجمع البیان می‌پردازد.

در فصل سوم، جایگاه منابع ادبی در میان سایر منابع تفسیری و دلایل رجوع به منابع ادبی و نیز اقسام منابع ادبی و کاربردهای آن در تفسیر و همچنین بررسی و شرح انواع شواهد ادبی و تأثیر آن‌ها در فهم قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل چهارم که مبحث اصلی رساله را در بر می‌گیرد، به بررسی شواهد ادبی در پنج جزء آخر قرآن کریم می‌پردازد که شامل شواهد نحوی و لغوی و بلاغی و نیز فرهنگ جاهلی می‌باشد؛ در این فصل، با محوریت تفسیر مجمع البیان طبرسی، سعی شده است که شواهد ادبی ذکر شده در این تفسیر، استخراج گردیده و با استفاده از کتب بلاغی، صرفی و نحوی و لغوی معتبر و اصیل به بررسی عمیق تر و دقیق تر این شواهد پرداخته شود.

در این فصل سعی گردیده که آیاتی که دارای این شواهد ادبی هستند، به طور مجزا و تفکیکی مورد دسته بندی قرار گرفته و سپس به توضیح و تبیین این شواهد پرداخته شود؛ مثلاً در آیه ۱ از سوره طارق آمده است:

«والسما و الطارق» "سوگند به پروردگار آسمان و آنچه در شب می‌آید."

در این آیه با توجه به معنی لغوی لفظ «طارق» و شاهد شعری که به دنبال آن برای تأیید این معنی آمده است، نگارنده ابتدا با مراجعه به فرهنگ معتبر لغوی لسان العرب، العین، مجمع البحرین، المفردات و ... به بررسی ریشه‌ای این لغت و معانی مختلف آن پرداخته و سپس با توجه به شاهد شعری مورد اشاره در مجمع البیان، به تأیید معنی لغوی کلمه مورد نظر می‌پردازد.

در فصل پنجم نیز به نتیجه‌گیری و بیان پیشنهادات اختصاص می‌یابد.

در خاتمه خداوند را بر این نعمت عظیم سپاس گفته و هم‌چنین از اساتید و صاحب‌نظران و پژوهشگران گرامی عاجزانه تقاضا می‌گردد که با الطاف مثال‌زدنی خود، لغزش‌های این حقیر را با دیده اغماض بنگرند و با کرامات عالمانه خود، در جهت رفع این لغزش‌ها برآیند.

از درگاه باری تعالی، توفیق روزافزون و شوق و همّت فراوان جوانان و دانشجویان را در راه آشنا شدن با این سرچشمه نور و دانش مسألت دارد. «وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اَتَّبَعَ الْهُدٰی.»

۱-۲- بیان مسأله

قرآن کریم از جهات مختلفی معجزه است و زیبایی و رسایی آیات به حدی اعجاب آور است که تمام شاعران و ادیبان و سخنوران را با آن قدرت زیاد خود، به بهت و حیرت واداشت. از طرفی گستردگی و عمیق بودن مفاهیم و معانی آیات قرآن و شواهد ادبی و جنبه‌های بلاغی و صرفی و نحوی و لغوی آن تا حدی است که بشر تا کنون نتوانسته است به عمق و ژرفای این دریای بی‌کران و لایتناهی دست یابد. بی‌تردید پرداختن به تمامی جنبه‌های ادبی قرآن، توانی مضاعف و همتی والا می‌طلبد که با توجه به گستردگی مفاهیم قرآن کریم، این کار از محدوده‌ی یک رساله فراتر می‌باشد؛ از طرفی هم با وجود نقش بی‌بدیل شواهد ادبی و تأثیر آن در فهم و درک قرآن کریم، باید گفت که محققان و قرآن‌پژوهان، آن چنان که باید و شاید، از این کتاب آسمانی در زمینه شواهد، با جنبه‌های مختلف آن، بهره کافی نبرده‌اند.

لذا نگارنده را برآن داشت که با توکل به ذات اقدس الهی و با استمرار از خود قرآن که آرامش بخش دل‌ها و شفادهنده روح‌ها و روان‌هاست، همه تلاش خود را به کار گیرد و این شواهد ادیبانه را در لابه‌لای تفسیر جامع و باارزش «مجمع البیان» با استفاده از منابع اصیل، یعنی «قرآن کریم» و تفاسیر مفسران بزرگ از جمله «الکشاف» زمخشری و «التبیان» شیخ طوسی و نیز کتب لغوی و بلاغی و نحوی از جمله «المختصر» و «لسان العرب» و «معنی اللیب» و ... بر اساس روش کتابخانه‌ای و همراه با استدلالات منطقی خود، مورد بررسی و تحقیق قرار دهد تا شاید نتایج آن در دسترس پژوهشگران در حوزه ادبی و تفسیری قرار گیرد و زمینه‌ی بهتری جهت بحث و تحقیق دقیق‌تر و جزئی‌تر قرآن، به هدف آشنایی و انس هر چه بیشتر با آیات سراسر نور آن فراهم گردد. *إن شاء الله.*

مسلمانان، از همان قرون اولیه ظهور اسلام، با عشق و علاقه نسبت به قرآن و پیامبر و با احساس مسؤولیت در برابر عمل به دستورات الهی، شروع به تحقیقات و پژوهش در زمینه‌های علمی و ادبی نمودند، تا حدی که باید گفت که تمامی علوم و پیشرفت‌های علمی جهان امروز، وامدار قرآن و دانشمندان اسلامی می‌باشد.

آن‌ها در پیدایش و پیشرفت علوم قرآنی، از جمله (صرف و نحو، بلاغت، لغت و...) نیز سهم به‌سزایی داشته‌اند و کتاب‌های مختلفی در زمینه‌های قرآنی، به رشته تحریر، درآوردند.

مفسران و دانشمندان زیادی در زمینه‌های مختلف قرآنی، از جمله ادبی، لغوی و بلاغی به بحث و تحقیق پرداختند؛ مثلاً دو اثر ارجمند «دلایل الإعجاز» در علم معانی و «اسرار البلاغة» در علم بیان که هر دو، اثر عبد القاهر جرجانی می‌باشند، بیشترین توجه و تأکید را بر کاربردهای قرآنی دارد.

از عصر قدیم مهم‌ترین و مفصل‌ترین واژه‌نامه‌های عربی، از جمله «لسان‌العرب» اثر ابن منظور افریقی و «تاج العروس» اثر مرتضی زبیدی که در شرح «قاموس» فیروزآبادی هستند، همه و همه آکنده از مثال‌ها و شواهد قرآنی می‌باشند.

هم‌چنین نویسندگان دستور زبان، از سیبویه گرفته تا ابن هشام، صاحب مغنی اللیب و پس از او تا عصر حاضر که فرهنگ‌های نحوی و دستور زبانی به شیوه‌ی الفبایی تدوین می‌شود، اغلب دستور زبان‌ها بر مهم‌ترین و کهن‌ترین سند و پشتوانه‌ی زبان عربی که قرآن کریم است، استوار می‌باشد.

«معانی القرآن» فرّاء و «مجاز القرآن» ابو عبیده که ظاهراً از اولین آثاری هستند که به مباحث بلاغی قرآن توجه کرده‌اند، تا «اسرار البلاغة» و «دلایل الإعجاز» عبد القاهر و «کشاف» زمخشری و «نهاية الإيجاز» امام فخر رازی و «بدیع القرآن» ابن ابی‌الأصبع و ... همه و همه دلیل روشنی بر توجه محققان در زمینه بلاغی می‌باشد.

اما آنچه که قابل تأمل است این است که تمامی این محققان و مفسران، تنها به جنبه خاصی از جنبه‌های قرآنی، توجه کرده‌اند و به تمامی این جنبه‌ها در یک تفسیر نپرداخته‌اند؛ تا این که اولین تفسیر جامع، توسط شیخ طوسی نگاشته شد، که همان تفسیر «التبیان» می‌باشد؛ این تفسیر در زمینه‌های مختلف ادبی، از

جمله صرف و نحو و لغت و بلاغت پرداخته است؛ این شیوه مورد تقلید شاگردش، شیخ طبرسی نیز قرار گرفت و به تبعیت از استاد خود، تفسیر «مجمع البیان» را نگاشت که تفسیری همه‌جانبه و کامل است و به تمامی جنبه‌های مختلف علوم قرآنی پرداخته است؛ بدون گزافه باید گفت که این تفسیر، یکی از بزرگ‌ترین تفاسیر شیعی، به شمار می‌آید و سرشار از شواهد ادبی، با تکیه بر منابع اصیل در ادبیات و فرهنگ عرب می‌باشد؛ نخستین چیزی را که مطالعه‌کننده «مجمع البیان» متوجه می‌شود، فراوانی شواهد است که بخش زیادی از کتاب را به خود اختصاص داده است، به گونه‌ای که کتابی در زمینه شرح شواهد شعری مجمع البیان تألیف شده و آن را «شرح شواهد مجمع البیان» نامیده‌اند.

اما با همه‌ی این احوال باید گفت که جایگاه شواهد ادبی و تأثیر آن بر فهم قرآن، هنوز ارزش و اهمیت واقعی خود را کسب نکرده است که پژوهش‌هایی در این زمینه، این جایگاه ارزشمند را جهت فهم بهتر آیات الهی، برای دانش‌پژوهان و محققان این حوزه، آشکارتر می‌سازد.

۱-۴- ضرورت بحث

هم‌زمان با پیشرفت اسلام و توجه مردم غیرعرب به اسلام، به تدریج مباحث مختلف علوم ادبی آن مورد بحث و پژوهش دانشمندان و نویسندگان و مفسران قرار گرفت؛ که در این میان منابع ادبی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است که به عنوان شواهد، در تحکیم و تثبیت فهم آیات قرآنی، نقش مؤثری را ایفا می‌کند.

اهمیت بحث قرآنی در زمینه شواهد ادبی بر کسی پوشیده نیست؛ چرا که بحث شواهد ادبی قرآن با جنبه‌های مختلف لغوی، نحوی و بلاغی‌اش، افق‌های جالبی دارد و شایسته است بیش از این، به آن توجه شود.

مفاهیم و پیام‌های الهی، در قرآن چه از نظر انتخاب واژه‌ها و چه از نظر برون ساخت کلام یا بلاغت و چه از نظر دستور زبان به عنوان بهترین متن محسوب می‌شود و بالاتر از آن قابل تصور نیست. اما یکی از کلیدهای فهم بهتر این آیات الهی، مراجعه به منابع ادبی و استفاده از شواهد ادبی اصیل و مطمئن می‌باشد.

بررسی شواهد ادبی، یکی از مباحث ادبی قرآن است که آن‌چنان که باید و شاید، ادیبان از این کتاب آسمانی در این زمینه چندان بهره‌ای نبرده‌اند و ضرورت تحقیق و پژوهش بیشتر را در این زمینه دو چندان می‌کند.

از آن‌جا که کشف شواهد ادبی و بلاغی قرآن، مفسران و قرآن‌پژوهان را در حل مشکلات تفسیری و فهم دقیق آیات و رفع شبهات، کمک شایانی خواهد کرد، از این رو می‌توان گفت کاربردی کردن پژوهش‌های قرآنی در زمینه‌های ادبی، عامل مهمی جهت شناخت بهتر و عمیق‌تر مفاهیم قرآن می‌باشد.

بر همین اساس، امور ذیل به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در همه اعصار و نسل‌ها بر دوش پژوهشگران قرآنی، اقتضاء می‌کند:

۱- استفاده و بهره‌گیری از معارف نورانی قرآن به هدف هدایت و کمال مطلوب.

۲- شناخت اهمیت بلاغت و فن سخنوری در قرآن کریم.

۳- کشف جلوه‌های ادبی و هنری و بلاغی در قرآن کریم.

۴- استخراج شواهد ادبی قرآن برای فهم بهتر و عمیق‌تر معانی.

۵- عملی و کاربردی کردن پژوهش‌های قرآنی جهت پاسخ‌گویی به نسل تشنه امروز.

۶- پیچیده بودن نیازهای امروزی بشر و پاسخ‌گو نبودن تمامی تفکرات و اندیشه‌های غیر قرآنی جهت هدایت بشری.

۷- آشنایی با ادبیات عرب جاهلی و شناخت متون ادبی در این دوره.

۸- اثبات اعجاز بودن قرآن در زمینه‌های مختلف ادبی.

به همین منظور، تأمل و پژوهش در آیات الهی به صورت دقیق‌تر و کامل‌تری جهت تعمق در مفاهیم آن به عنوان امری ضروری و حیاتی احساس می‌گردد.

۱-۵-۱- اهداف کلی

نقش منابع ادبی در فهم آیات قرآن امری انکارناپذیر است و یک مفسر قرآنی به ناچار باید از منابع ادبی، آشنایی و آگاهی کافی و کامل داشته باشد.

منظور از منابع ادبی، واژگان و متون ادبیات عرب است که مفسر را در فهم معنای لغوی واژگان قرآن یا ساختار نحوی و بلاغی آیات یاری می‌رساند.

در قرآن کریم با توجه به گستردگی مفاهیم ادبی از یک طرف و تأثیر این مفاهیم بر فهم و درک عمیق تر آیات از طرف دیگر باعث شده که مواضع شواهد ادبی با جنبه‌های مختلف لغوی و بلاغی و نحوی‌اش از جایگاه ممتازی برخوردار شود.

لذا اهداف کلی این پژوهش، شناسایی شواهد ادبی و اثبات نقش و تأثیر آن‌ها در فهم قرآن با تکیه بر تفسیر جامع «مجمع البیان» شیخ طبرسی می‌باشد تا شاید در سایه این پژوهش، پرتو جدید و روشنی جهت آشنایی بهتر و عمیق تر آیات قرآن نمایان شود و راه را جهت تدبیر قرآن برای مؤمنان و سعادت هر دو عالم آن‌ها فراهم آورد.

۱-۵-۲- اهداف جزئی

الف) ارائه تعریف جامع از مبحث شواهد ادبی اعم از بلاغی، نحوی، لغوی، و فرهنگ جاهلی.

ب) استخراج شواهد ادبی با محوریت تفسیر جامع «مجمع البیان» و طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس انواع آن.
ج) اثبات این مسأله که در صورت عدم تشخیص شواهد ادبی در قرآن، امکان انحرافات تفسیری در فهم آیات وجود دارد.

د) اثبات میزان اثربخشی و مفید بودن شواهد ادبی قرآن برای درک و فهم معانی جدید آیات .

ه) پی بردن به جامعیت تفسیر «مجمع البیان» در تمامی جنبه‌های مختلف آن.